



وطن watan

ارگان نشراتی شورای اروپایی حزب واحد

صدای ملت چیست؟

(صباح)

بچشمان اشک غم دارم دل تنگ ز بی مهربی زنا مردی زنیرنگ
سکوتی تلخ و درد ناک تا کجاها بود تا کی غریوی جنگ و تفنگ



صدای ملت : یک سلسله حقیقت و واقعیت‌های ناگفته مردم مظلوم و هر دم شهید میهن رنج کشیده ما! تصمیم دارم تابانیه، پژوهش و گردآوری مستنداتی از رنج و الهام ناگفته و ناشنیده سرزمین دردمند را از طریق نشریه های که به دموکراسی ، مردم سالاری و انسان گرایی معتقداند بگوش مسوولین کشور و جامعه جهانی برسانم ، تاباشد با این کوچکترین خدمتی که انجام میدهم حداقل مصیبت ملت را انعکاس بدهم . بگذار پول بدهند، انسانهای فاسدوکودن را بگمارند ، اجیراستخدام نمایند ، توطئه و دسیسه کنند ، اما من متوقف نخواهم شد و در هر سطر و پاراگرافی که صدای ملت را منعکس نموده باشد، تهیه ، جمع آوری و منتشر نمایم . و هیچگونه پاداشی نیز از کسی توقع ندارم .

« بگذار بر قامت بلند و راستین و استوار قلمم به دارم کشند ، به چهار میخم کوبند ، تا او که استوانه ی حیاتم بوده است ، سمبول مرگم شود ، شاهد رسالتم گردد ، گواه شهادت من باشد تا خدا ببیند که بخاطر پول و مقامی استفاده ناجایزی از خامه ام نشده است ، با قلمم معامله نکرده ام ، تا خلق بداند که با قلمم بر سفره گوشت حرام ننشسته ام ، تا زور بداند ، زر بی فهمد و تزویر متعقد گردد که امانت خدا را ، جنایتکاران قرن بیست و بیست و یک نمی توانند از من بگیرند ، و دیعه ی عشق را چپاولگران نمی توانند از من بخرند و یادگار رسالت را آدمکشان نمی توانند از من بربایند . . .

قلمم استخوان من است، او نمی گذارد که فراموشش کنم، یا فراموش شوم ، که با شب خو کنم و به مادیات روکنم ، دیروزم را از یاد ببرم ، فردا را به یاد نیاورم و از ریالیسم چشم بپوشم و تسلیم شوم ، نومید گردم ، به خوشبختی رو کنم به تسلیم خو کنم ، که! . . .

قلمم ایما ن من است ، (به قلمم سوگند به خون سیاهی که از حلقومش می چکد سوگند، به رشحه ی خونی که از زبانش می تراود سوگند، به ضجه های دردی که از سینه اش بر می آید سوگند...) که این قبله مقدسم را نمی فروشم ، نمی کشم ، گوشت و خونس را نمی خورم به دست زورش تسلیم نمی کنم ، به کیسه زرش نمی بخشم به سرانگشت تزویرش نمی سپارم. دستم را قلمم می کنم و قلمم را از دست نمی گذارم چشم هایم را کور می کنم ، گوشهایم را کر می کنم ، پاهایم را می شکم انگشتانم را بند بند

می برم ، سینه ام را می شکافم ، قلبم را می کشم حتی زبانه را می برم و لبم را می دوزم . . . اما قلمم را به بیگانه نمی دهم. به جان او سوگند که جان را فدایش می کنم ، خود را قربانیش می کنم به خون سیاه او سوگند که به فرمان او هر جا مرا بخواند ، هر جا مرا براند، هر چه از من بخواهد ، در طاعتش درنگ نمی کنم. (قلم عصای مسیح من است ، امانت روح القدس من است ودیعه مریم پاک من است ، صلیب مقدس من است) . در وفای او ، اسیرریاکاران نمی شوم ، زرخرد زرداران نمی شوم تسلیم پول پرستان نمی شوم.» و همچنان به زود ترین فرست تاریخی صدها صفحه یی مستند ، از جنایت ، وحشت و بربریت رابه پیشگاه ملت تقدیم خواهیم کرد. انشالله .

گاندی هفت موردی که باعث نابودی و انزوا میشود چنین برمی شمارد:

-	<	ثروت،	بدون	زحمت
-	<	لذت،	بدون	وجدان
-	<	دانش،	بدون	شخصیت
-	<	تجارت،	بدون	اخلاق
-	<	علم،	بدون	انسانیت
-	<	عبادت،	بدون	ایثار
-	<	سیاست،	بدون	شرافت.

این هفت مورد را گاندی تنها چند روز پیش از مرگش بر روی تکه کاغذی نوشت و به نواس اش داد.
 « انتخاب جملات و پاراگراف های از اندیشه ناب شریعتی.»



آقای کرزی! آیا صدای ملت رامیشنوید؟؟؟

آزموده را آزمودن خطاست، یکبار اشتباه بار دوم وسوم و... (چی...؟؟؟) (صبح)

آن غم کدام است که خندان نشود؟
 گریه کدام است که خندان نشود؟
 خاهینی که دستش بخون آلوده بود
 او مرهم زخمهای خونچکان نشود .

جناب ریس جمهور! شما ریس جمهور ملت هستید ، به همه مردم تعلق دارید و نه به گروپ خاصی منفعت جویان و قدرت پرستان ، زمانیکه مردم پای صندوقهای رای رفتند و تورا انتخاب کردند و آنان فکرمیکردند که تو خواهان حاکمیت مردمی ، عدالت اجتماعی ، بازسازی خرابه های وطن ، تامین نظم و قانون ، آبادی و سرسبزی و خیر و صلاح ملی هستید ، و کسی نمیدانست که جناب شما (با عرض پوزش) مدافع و طرفدار تنظیم سالاری ، ائتلافهای مصلحتی ، اجرات مقطعی، گفتگوهای نمایشی، فریبکاری های زمانی ، سخنرانی های احساساتی، زدوبندهای شخصی ، شراکتهای پولی ، همکاری چپاولگری ، هم اندیش کوتاه بینی و...



کرزی بعد از انتخابات وقبل از اعلام کابینه خیلی از شیشه های قلب اندیشمندان ، متفکرین ، نهادهای حقوقی و حقوق بشر و مردم رابه سنگ سخت جفایش شکست . وبازهم در حکومتش ، ناقضین حقوق بشر، چپاولگران ، آدمکشان ، جنگجویان ، تفنگداران ، قاچاقچیان ، تاراجگران ثروتهای مادی ومعنوی وطن ، زورگیران زمین وجایداد مردم وملت وبخصوص زمین های شیرپور (چورپور) ، کوتل خیرخانه هزاره بغل ، سه صدویانزده ، دشت برچی ، تیه شهدا و... در اداره دولت که طی این سالها توسط ریس جمهور کنونی هدایت ومدیریت میشود، نقش اول رادارند . آقای کرزی قبل از اعلام کابینه نیز بخاطر تقرر جنگسالاران به ریش حقوق بشرو نهادهای حقوقی خندیدند .

قسیم فهیم وزیر دفاع قبلی، حامد کرزی را متهم به ایجاد انجماد سیاسی و بی اعتمادی میان شماری از گروهها و مردم' کرد. معاون سابق حامد کرزی در دولت انتقالی گفت که وضعیت سیاسی موجود در کشورش، نا امید کننده است و خطرهای بدی در قبال دارد. فهیم در مصاحبه با تلویزیون غیر دولتی طلوع در کابل گفت که فضای کنونی ، فضای سالمی نیست (اکنون که برکرسی قدرت لمیده فضا کاملا سالم وانسانی است) و به گفته او، در شرایط کنونی ، مجاهدین به اشکال مختلف آزرده شده اند. فهیم مجاهدین را میخ های ثبات خواند که اکنون به حاشیه رانده شده و دلسرد شده اند. او گفت که حامد کرزی ، می تواند این جو را تغییر دهد. فهیم آشکارا از حامد کرزی گلایه که در لحظات حساس انتخابات ریاست جمهوری گذشته، ضیا مسعود را بر او ترجیح داد. فهیم افزود که او می توانست در انتخابات مواعی به وجود آورد (کود تا نماید) اما دست به اخلال نزد.

فهیم از ذکر نامش در فهرست ناقضان حقوق بشر از سوی حقوق بشر انتقاد کرد و گفت که این گزارش مغرضانه و دارای اهداف سیاسی است. به باور فهیم، گزارش حقوق بشر، در آستانه انتخابات پارلمانی به منظور کوبیدن مجاهدین منتشر شده است . فهیم در این گزارش، در صدر فهرست ناقضان حقوق بشر در مقطع حاکمیت مجاهدین در سالهای ۹۰ میلادی قرار دارد. حقوق بشر ادعا می کند که مدارک و شواهدی برای متهم کردن فهیم در دست دارد، اما فهیم این اتهامها را که ماهیت آنها روشن نیست رد می کند. او از مجاهدین و کارنامه هایشان دفاع کرد و اعمال آنها را بخشی از ارزشهای تاریخی مردم دانست.

تا زمانی که همه این نسل از بین نرفته اند ، خاطره جنگ سالاران منفور بردیده ودلها نقش بسته است وخواهد ماند. زیرا اینان با ائتلاف های مصلحتی ، دوستی های مقطعی ، همکاری های منفعتی ، دوستی و دشمنی های زمانی وبخاطریول وقدرت به هیچ عهدوبیمانی پایند نبوده وامروزاگردشمنی خونی بوده اند وفردا ازیک گریبان سرببرون کرده اند ، (این نبشته که بصورت گزارش گونه ومستند بااتکاء به منابع موثق خبری تهیه گردیده شاهد این گفتار ماست.) این یول پرستان وقدرت جویان طی سه دهه ی کشور ثابت کرده اند که ازهیچگونه معامله وسوداگری دریغ نمیکند.

نویسنده کتاب معروف بوش در جنگ ادعا کرده است که فهمیم در جریان سازماندهی نبرد علیه طالبان در سال دوهزارویک میلادی، پولهای هنگفتی از آمریکا دریافت کرده است. فهمیم در پاسخ به این ادعا گفت که او برای مخارج جبهه جنگ، از آمریکایی ها پول گرفته (نه تنها از آمریکا از روسیه ، هند ، ایران ، تاجیکستان ، فرانسه و...) اما آن پولها فقط بخشی از مخارج جنگ را تامین کرده است. او گفت که آمریکا در این زمینه نه فقط پول بلکه کمکهای بسیاری انجام داد تا رژیم طالبان سقوط کند. (مارشال به ثروت ، قدرت و کرسی دست پیدا کند.) همچنان قسیم فهمیم ، حامد کرزی را به توطئه چینی علیه مجاهدین متهم کرد. فهمیم در این مورد که کرزی کس دیگری را به جای او به معاونت خود در دولت آینده برگزیده است گفت: من خودم نخواستم با کرزی ائتلاف کنم، زیرا او بر سر قول خود ایستاده نیست و در پی حذف مجاهدین است. (اکنون خودش خواسته که معاون کرزی شود)

فهمیم همچنین با اشاره به نقش مجاهدین در اردوی جدید، گفت که مجاهدین در صورت تمایل می توانند جذب اردوی ملی شوند و در غیر این صورت، دولت باید برای آنان زمینه اشتغال فراهم کند. او تاکید کرد که اولویت پیوستن به اردوی ملی، با مجاهدین است. فهمیم در نخستین اظهار نظر، بعد از اینکه حامد کرزی کس دیگری را به جای او به عنوان معاون خود در انتخابات ریاست جمهوری برگزید، گفت که کرزی از این پس، حمایت مجاهدین را با خود نخواهد داشت. فهمیم همچنین، در پاسخ به نگرانیهای اخیر مبنی بر اینکه او ممکن است به دلیل انتخاب نشدن به معاونت کرزی به خشونت متوسل شود، این احتمال را رد کرد و گفت که او در شرایط کنونی نیازی به اقدام نظامی نمی بیند بلکه معتقد است که فضا برای رقابت های سالم سیاسی آماده است. پس از آنکه آشکار شد حامد کرزی فهمیم را برای معاونت خود در برنامه انتخاباتی اش برنگزیده است نگرانیهایی ابراز می شد مبنی بر اینکه فهمیم درواکنش به این اقدام کرزی دست به خشونت خواهد زد و این مساله به توجه به اینکه کنار رفتن از قدرت سیاسی در افغانستان با خشونت همراه بوده است به نگرانی های جدی در میان مردم و حلقهات سیاسی بدل شده بود.

از وی پرسیده شد که کرزی محمد کریم خلیلی رهبر حزب وحدت اسلامی و ضیا مسعود از اعضای جمعیت را به معاونت خویش برگزیده و بارها تاکید کرده است که جایگاه مجاهدین در حکومت بعد از انتخابات نیز نادیده گرفته نخواهد شد آیا وجود چنین چهرههایی در کنار کرزی نمی تواند او را از حمایت بخشی از مجاهدین برخوردار کند؟ فهمیم در پاسخ گفت حامد کرزی از حمایت بخش بزرگی از مجاهدین که در گذشته برخوردار بود، دیگر برخوردار نخواهد بود.

انتخاب نشدن فهمیم به عنوان معاون کرزی تبصره های مختلفی در میان مردم و حلقهات سیاسی را به دنبال داشته است از جمله این که حامیان بین المللی کرزی بویژه ایالات متحده آمریکا برکرزی فشار آورده اند تا به عوض فهمیم کسی دیگری را برگزیند و برخی ها هم براین نظر بودند که دفتر مشترک تنظیم انتخابات فهمیم را رد صلاحیت کرده است. اما قسیم فهمیم معتقد است که این تصمیم خود کرزی بوده است که دیگر به گفته او با گروه ویژه خودش بسوی مبارزات انتخاباتی برود و در صورت پیروزی با آنها کار کند. همچنان فهمیم که در مراسمی به مناسبت انفجار بغلان، که در آن تعدادی از غیرنظامیان به شمول شش نفر از نمایندگان پارلمان کشته شدند سخن می گفت، انتقاد کرد که عملکرد دولت سبب دلسردی مجاهدین سابق شده است. فهمیم در دو سال گذشته پس از برکناری از وزارت دفاع افغانستان، پیوسته از حکومت آقای کرزی به دلیل آنچه فاصله گرفتن از مجاهدین می خواند، انتقاد کرده است. این انتقادات در حالی مطرح می شود که آگاهان امور باور دارند، مجاهدین سابق در حال حاضر سهم قابل توجهی در دولت دارند و هم اکنون تعداد زیادی از کرسی های پارلمان به جهادی ها تعلق دارد. فهمیم در سخنان خود با بحرانی خواندن وضعیت در افغانستان گفت که راه حل مشکلاتی که کشور امروز با آن روبروست، در سهم دهی بیشتر به مجاهدین است.

فهمیم از نا امنی ها، فقر و بیکاری به عنوان چالش های در برابر دولت کرزی یاد کرد که به گفته او با وجود حمایت گسترده جامعه جهانی، هنوز اداره کرزی قادر به حل آن نشده است. ضعف و ناتوانی دولت سبب شد که امروز افغانستان در یک وضعیت بسیار بحرانی و خطرناک قرار بگیرد. امروز همه می دانند که افغانستان در یک بحران اجتماعی، بحران بی اعتمادی و بحران امنیتی قرار دارد و همه نگران هستند.

براد آدامز، مسنول بخش آسیا در سازمان دیده بان حقوق بشر، بازگشت فهمیم به دستگاه دولتی افغانستان، را گامی به عقب و خطرناک توصیف کرد. به گفته وی ،بیشتر مردم افغانستان معتقدند فهمیم هنوز هم در خیلی از فعالیتهای غیر قانونی از جمله رهبری افراد مسلح غیرمسوول، حمایت از باندهای جنایتکار و قاچاق مواد مخدر نقش دارد. در همین حال کای آیده نماینده ویژه سرمنشی ملل متحد گفت بود: تصمیم کرزی مبنی بر وارد کردن مارشال فهمیم به کابینه آینده خود ، موجب سلب حمایت جامعه جهانی از وی می گردد.

حمله آمریکا در افغانستان منجر به رویکار آمدن جنگسالاران و قوماندانهای تنظیم های اسلامی گردید. نیروهاییکه در سالهای نودودوتا نودوشش، کشور را به صحنه جنگهای قومی و مذهبی تبدیل کردند. دهها هزار انسان بی گناه فقط به دلیل تعلقات نژادی ولسانی توسط این نیروها به فجیعترین شکلی به قتل رسیدند. اکثریت قاطع آنایککه امروزمام قدرت را بدست دارند، به هر معیار که بسنجی در شمار جنایتکاران جنگی اند. بسیاری از فرماندهان نامبرده پیش از حمله نظامی آمریکا، فراری و یا غیرفعال بودند و آنایککه در داخل بودند عملاً در محاصره بودند. این آمریکا بود که باردیگر با دادن پول و اسلحه اینان رارویکار آورد. بنابراین نیروهای که امروز غرب و آمریکا به اتکای آنها گویا میخواهد دموکراسی را پیاده کند، بیشتر به شوخی میماند تا واقعیت.

فهمیم در حمایت از کرزی : کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی با حضور فهمیم رسماً کار خود را آغاز نمود. معاون اول رئیس جمهور که معمولاً حاشیه ساز بسیاری از مراسم بوده است، در این مجلس اپوزیسیون دولت را به باد انتقاد گرفت و دوستان سابق خویش را متهم به ایجاد اختلال در حکومت نمود. فهمیم اظهار داشت: گروه های سیاسی مخالف دولت، پایه های دولت را لرزان و در حال فروپاشی نشان می دهند و بر علیه دولت تبلیغات منفی می نمایند. اپوزیسیون نظام کنونی را متزلزل تحلیل نموده و دست آوردهای مهم کشور را نادیده می گیرند یا از آن چشم پوشی می نمایند. مخالفین دولت بدانند نظام کنونی خونبهای هزاران افغان است و چند نفر لاقید، چند نفر قاچاقچی و چند نفر خودغرض و قانون گریز نمی توانند این نظام را سقوط بدهند.

فهمیم که دوباره به سمت سابق خود یعنی معینیت رئیس جمهور برگشته است، ادامه داد: نظام امروزی افغانستان متزلزل نیست، هر قدر که سنگ اندازی شود، هر قدر که ترور صورت بگیرد، هر قدر که تحریکات علیه دولت صورت بگیرد، من به شما اطمینان می دهم که نظام گسترش می یابد، قانونمندی در جامعه حاکم می شود و خس و خاشاک امروز یا فردا از بین می رود و روسیاهی برای شان می ماند. با اینکه فهمیم از کسی نامی نبرد ولی بسیاری از آگاهان مسائل سیاسی کشور معتقدند که هدف حملات لفظی فهمیم به طور غیرمستقیم رهبران گروه های سیاسی مخالف دولت، به ویژه ائتلاف تغییر و امید و علل الخصوص داکتر عبدالله و شماری از رهبران گروه های جهادی بوده است. چرا که عبدالله و اعضای گروه ائتلافی او (تغییر و امید) در جرگه مشورتی صلح شرکت نکردند و کنفرانس بین المللی کابل را کم اهمیت جلوه دادند و رئیس جمهور را به تحریف و اقعیتها متهم نمودند.

آنچه که باعث ناراحتی بسیاری از صاحب نظران شده است، تغییر دیدگاه فهمیم که قبل از این به عنوان یکی از رقیبان اصلی کرزی از وی یاد می شد. فهمیم در اداره موقت و دولت انتقالی - معاون اول رئیس جمهور بود، ولی زمانی که در سال دوهزار و چهارصیاء مسعود جایگزین وی گردید و ی مشاور رئیس جمهور معرفی شد، ایشان به جمع منتقدان اصلی دولت پیوست و همراه با همین کسانی که امروز آنها را خس و خاشاک می خوانند، تشکیل جبهه ملی را داد. آن زمان فهمیم، رئیس جمهور را متهم به کنار زدن مجاهدین از دولت کرد و کارکردهای دولت را در زمینه های مختلف به باد انتقاد گرفت و گفت: حامد کرزی یک رهبر ضعیف بوده و در یک موقعیت بازنده قرار دارد که بقای سیاسی اش وابسته به حضور قوت های اجنبی در افغانستان می باشد و همگان می دانند که رئیس جمهور توانایی لازم برای مدیریت شرایط بحرانی حاضر در کشور را ندارد. آن زمان هیچ کس فهمیم را لاقید، قاچاقچی، خودغرض و قانون گریز نخواند.

اما سوال این است که فهمیم چه شده است که اکنون همزمانتان، کسانی که سالها با آنها بر علیه طالبان جنگیده اید، کسانی که آنها را روزی نماد جهاد و مقاومت می خواندید، به یکباره قانون گریز و خود غرض شده اند. روی چوکی انقدر نازک و دالرهمنچنان عزیز بود که مارشال یاران دیروزی اش را خس و خاشاک نامید. فهمیم برادران دینی اش را مورد تمسخر و تا حدی فحاشی قرار داد.

بخشی از خاطرات جنرال تامی فرانکس وبوجی های دالر

من باهیچ گروهی وجریانی خصومت ندارم و بیان حقایق شامل همه کسانی خواهد شد که بشکل از اشکال طی سه دهه درویرانی کشوروتباهی ملت سهیم باشند.



سازمان نظارت بر حقوق بشر می گوید کرزی باید با اتکا به حمایت مردمی موجود، افرادی را که جنایات گذشته به آنها منتسب دانسته می شود را کنار بگذارد. این سازمان در نامه یاد آوری می کند که او مسئول اداره کشوری است که جنگسالاران و فرماندهان محلی هنوز از خشونت و زور و وحشت آفرینی برای مرعوب کردن بخش عظیمی از مردم این کشور استفاده می کنند. در این نامه از کرزی خواسته شده بود که نه تنها از انتساب چنین افرادی در کابینه خود داری کند بلکه برای کاستن از میزان قدرت آنها اقداماتی انجام دهد. بسیاری از مردم از این خواسته سازمان نظارت بر حقوق بشر حمایت کردند.

...انتلاف شمال از طریق شراکت با قوای مخصوص ما، تجدید حیات یافته بود، در تمام ساحات جنگ از پنجشیر تا وادی دریای آمو، طالبان و حامیان القاعده شانرا تحت ضربات بمباری عملیات مخصوص ما قرار داشتند و طیارات بمب افکن B-52 که بالای میدان معرکه میچرخیدند، مهلک تر از تیوری کارشناسان نظامی ثابت شدند...

فهییم روی میز قاتکی در مقابلم در بطن یک طیاره ترانسپورتهی C-17 نشسته بود. او کلاه پکول کشمیری بسر داشت و ریشش را به خوبی پیراسته بود. مگر فهییم هنوز هم مانند مجری مافیا به چشم میخورد. ساعات اخیر روز سه شنبه اخیر اکتوبر بود، یک شب سردی در دوشنبه تاجکستان. این طیاره غول پیکر به تنهایی در یک گوشه میدان هوایی ملکی ایستاده بود. فهییم و شخصیکه من حیث مالی اش معرفی شد، با موتر مرسدس گردآلود رسیدند. یک افسر جنگ دیده از مد پیریت عملیات (سیا) که من او را Hank مینامم، و مرا در این سفر همراهی میکرد، بطرف راست من نشسته بود، بطرف چپ من دگروال جان مل هولند - سربازی که من نزدش خوردم میگردم - آرنجش را روی میز گذاشته بود. ما قهوه های غلیظ قوای هوایی را نوشیدیم. نه چای، اما به هر حال میتوان اینرا مذاکرات صرف چای نامید. من حیث زعیم انتلاف شمال، وی بعد از قتل مسعود، فرماندهی را بدست گرفته بود.

فهییم برای معامله و چانه زدن آمده بود. او بزرگترین و مجهزترین قوای مخالفین را در افغانستان رهبری میکرد. او موثریت امتزاج قوای مخصوص و سلاح رهبری شده ما را مشاهده کرده بود. او از طریق ترجمان پرانیم گفت: اگر من به شما کمک کنم و شما با من کمک کنید، ما هردو برنده میشویم. مردم ما سالهاست با دهشت افگنی جنگیده اند و از زمانیکه طالبان قدرت را به دست گرفته اند این کار را با شدت بیشتر کرده اند. اگر مساعی هردو طرف ما به طور مشترک صورت بگیرد، نتایج مثبت خواهد داد. من گفتم: هنوز شما چیزی ندیده اید؟ " من آرزو داشتم تا ترجمانی که به لهجه انگلیسی حرف میزد، متوجه باریکی این اصطلاح شود. طوری ظاهر شد که او متوجه شده بود و فهییم با طرز و ضرب المثل خود صحبت کرد و گفت: ما به همه احترام میگذاریم و به همه اعتماد داریم. من از او پرسیدم: آیا به قیمت زنده گی خود بر من اعتماد کرده میتوانی؟ وی گفت: ما عسکر میباشیم و دیگر انتخابی نداریم. زندگی ما بدست خداست." او خوب حرف میزد. مگر زمانیکه به مشکلات افزوده میشد، او میتوانست جنگ را شدت بخشد؟ دلیلی وجود داشت که او مسوول مالی خود را آورده بود. من نقشه تاکتیکی جان من هولند را روی میز پهن کردم و پرسیدم: "جنرال اراده شما چیست؟" او با پنسل بروی نقشه بخوبی علامت گذاری کرد.

اول او خط پیشروی را از پنجشیر بطرف میدان های هموار شمالی بطرف شمال کابل کشانید. بعداً دور چند شهر را در شمال که طالبان و القاعده در آنها اجتماع نموده، حلقه نمود: " تالقان، قندز و مزارشریف، اهداف فوری ما این ها میباشند. قوای هوایی شما باید بمباران خود را در اینجاها تمرکز دهد تا به قوای ما اجازه داده شود که این شهر ها را به تصرف درآوریم. بعداً من بطرف جنوب، بسوی بگرام خواهم رفت. طرح او مفهوم خوب تاکتیکی داشت. اگر فهمیم اطاعت همه قوماندانان انتلاف شمال را با خود داشته باشد، قادر به تباہ ساختن تجمع دشمن در شمال خواهد شد و میتواند پل حیاتی زمینی با ازبکستان تامین کند. مادامیکه این راه تصفیه میشود، هویداست که ما قوای مخالف را از طریق این شاهراه که از آسیای میانه تا اروپا امتداد دارد، بهتر کمک کرده میتوانستیم. کمک های انسانی نیز به کشور جنگدیده افغانستان صورت گرفته میتوانست و در پایان روز این افغانها خواهد بود که برای پیروزی قوای ما تصمیم بگیرند. فهمیم در باره تفصیل طرح جنگی خود صحبت کرد. او گفت تالقان اولین هدف مهم میباشد. و از طریق آن یک میدان هوایی برای قوایش بدسترس قرار میگیرد. من پرسیدم و کابل؟

فهمیم با چشمان فرورفته مرا خوب بررسی کرد و گفت: تا زمانیکه شما اجازه ندهید، ما داخل کابل نخواهیم شد! این یک پاسخ درست سیاسی بود. آیا او صادق بود؟ این یک سوال خیلی مهم بود. در پاکستان من با شماری از رهبران پشتون مخالف طالبان صحبت نموده بودم، احساس برانگیز ترین شان حامد کرزی بود، او یک آدم عصری و چند لسان میدانست. کرزی به مجردیکه طالبان، رژیم مستبدانه خود را آغاز کردند، از آنها جدا شده بود. مرکز سیا در اسلام آباد از او حمایت به عمل میآورد، چون او قادر به متحد ساختن گروه های مختلف بود. بر من هم تاثیر گذاشته بود، ما برای ساختن قوتهای پشتون که علیه طالبان بجنگد، نیاز داشتیم. من به این باور بودم که کرزی فقط همان رهبر مناسب پشتون میباشد که چنین قوا را بسازد. اگر مقاومت دشمن بطور آنی متلاشی میشود و انتلاف شمال که ترکیبی از تاجیک ها، ازبک ها و هزاره ها بود، خلای کابل را پر میکرد.

افغانستان شاید دوباره در منجلاب خانه جنگی میافتاد و این وضع گروه های شمال را در مقابل اکثریت پشتون قرار میداد. این از پاسخ فهمیم واضح بود. وقت آن رسیده بود که درباره قیمت قالین صحبت شود، من از فهمیم پرسیدم: بیشتر از این از ما چی میخواهی؟ به چی ضرورت داری؟ در اینوقت متوجه شدم که جان مل هولند چهره فهمیم را میخواند. قوای مخصوص ما در جنوب مزار شریف با جنرال دوستم و در شمال شرق با واحد های بزرگتر فهمیم در حال پیشرفت بودند... فهمیم از هینک پرسید: "چه نوع کمک های لژستیک و مالی با ما فراهم کرده میتوانید؟" Hank یک لست کمپیوتری، مخابرات و تدارکات ادویه را بیرون کشید، فهمیم با تبسم شایسته گفت: "من یک میدان هوایی بزرگتر جهت استفاده C-130 ها میخواهم. C-130 های شما طیاره مشهوریست و با توپ های خود روحیه طالبان و عرب ها را شکستاده است. هینک پرسید: شما تدارکات خود را داشته باشید؟ فهمیم شروع کرد: اگر من تالقان و میدان هوایی آنرا در تصرف درآورم، و بعداً رو به مسوول پولی خود کرد و در گوشش زمزمه کرد و بعداً ادامه داد: من به سه میلیون دالر امریکایی ضرورت خواهم داشت. من پرسیدم: شما ۳ میلیون دالر جهت راه اندازی عملیات میخواهید و اگر مزار شریف را بدست آورید؟ هینک و من برای این آماده گی گرفته بودیم. او سرباز خوبی و من سرباز بدی بودم. هردوی ما منتظر پاسخ ماندیم، فهمیم گفت: اوه! نه خیر، برای تمام عملیات! من در ماه به هفت میلیون دالر ضرورت خواهم داشت. من به پا خواستم و بطرف ترجمان دیدم و گفتم این یاوه سرایی و چرند گویی است **This is Bullshit!** ترجمان را گفتم، ترجمه کن!

من بطرف زینه های پیشروی ترانسپورت (طیاره) به قدم زدن آغاز کردم، دور خوردم و سگرتی روشن کردم. « این عمل را ما قبلاً تمرین کرده بودیم.» در تونل روشن کارگوی طیاره Hank برای فهمیم لکچر میداد که جنرال فرانکس خیلی عصبانی است. من دوباره به داخل طیاره آمدم و روی میز نشستم. Hank سری تکان داد و بعداً با فهمیم حرف زد: درست است، موافقه شد. پنج میلیون دالر برای هرماه... و تا زمانیکه اجازه دخول به پایتخت برایت داده نشده، بیرون کابل توقف میکنی. فهمیم گفت: بلی! فهمیدم، زمانیکه فهمیم و مسوول مالی اش از طیاره بیرون میرفتند و بوجی های را که با میلیون ها دالر پر شده بودند و در موتر مرسدس (بنز) جهت حمل بارگیری میشدند دیده میتوانستیم. امیدم بران شد که موترش اسپرنگ های قوی جهت حمل بوجی های نوت های صد دالری که بارش را گران ساخته بودند داشته باشد. من فهمیده نتوانستم که آیا ما اسپری سودا کردیم یا قالینی خریدیم «!...»